



خودشان دوست دارند، نگاه کنند و ما هم به آنان کمک می‌کردیم. تنها از گروه‌های می‌خواستیم به ما اطلاع بدهند کجا می‌روند تا مشکلی پیش نیاید. اگر تفکرات ضد ایرانی نباشد و سنگ‌اندازی‌ها از بین برود تئاتر ایران به شکل عجیبی رشد خواهد کرد و شاهد ارتقای بزرگی خواهیم بود.

آیا جشنواره فجر می‌تواند از بهترین تئاتر ایران به محلی برای کشف استعداد های تئاتر جهان بدل شود؟

این موضوع حتمی و قطعی نیست ولی امکان‌پذیر است. هنرمندان نسل جوان ما اگر کار خوب داشته باشند به خوبی می‌توانند در سطح جهانی دیده بشوند. باید استعدادها مورد توجه قرار بگیرد. این بحث در تمام حوزه‌ها شکل می‌گیرد یعنی اینکه نسل جوان خودش را به بزرگان پیش از خود می‌رساند و نسل گذشته را کنار می‌زند و جای گذشتگان را می‌گیرد. این اتفاق در تمام حوزه‌های اجتماع رخ می‌دهد. این موضوع ربطی به ایجاد بستر خاصی ندارد. به نظر هر نوع نگاه افراطی به شکست منجر می‌شود. هر نوع نگاهی که جوانان و کهنسالان را جدا کند شکست خواهد خورد. شما باید با تمام گروه‌ها تعامل داشته باشید. جوانان با بزرگسالان پیش می‌روند. من اصلاً اعتقادی به این ندارم که جشنواره تئاتر فجر فقط باید برای کشف جوانان مستعد باشد بلکه قدیمی‌ها هم باید

باشند. رسالت جشنواره هم این نیست. با این حال، طبیعی است که برخی استعدادها در جشنواره تئاتر به منصف ظهور می‌رسند. هیچ کدام از دبیران جشنواره‌های گذشته به داوران نگفتند که به جوانان و شهرهای خاصی توجه کنید و بروید چند استعداد کشف کنید. من تا حالا هم چنین چیزی را نه دیده‌ام و نه شنیده‌ام! تنها چیزی که باعث می‌شود گاهی جوانان بیشتر دیده بشوند به خاطر حرکت آنهاست. کنش‌های کمی و کیفی گروه‌ها باعث دیده شدن آنان می‌شود. وقتی پای جایزه در میان باشد برخی تلاش می‌کنند تا استعداد خود را بهتر نشان بدهند. باید شرایط حضور استعدادهای جوان کشورهای دیگر را هم فراهم کنیم و این امر امکان‌پذیر است. **ما همواره از عنوان ITI (انستیتو بین المللی تئاتر) در فجر استفاده می‌کنیم. این نهاد چه قدرتی دارد و چه کمکی به ما کرده است؟** مرکز ITI حرکت‌های معنوی دارد و خیلی هزینه نمی‌کند. این نهاد به دیگران مشروعیت می‌بخشد که معنوی و فرهنگی است. این کارها به یکدست کردن و وحدت بخشیدن به فضای تئاتر کمک می‌کند. فکر می‌کنم آنچنان در تصمیم‌گیری تأثیری ندارد و در فرآیند پیشرفت تئاتر کمک نمی‌کند چون قدرت اجرایی کمی دارد. تئاتر دنیا بیشتر به بخش خصوصی متکی است. تئاتر خصوصی هم به مخاطب وابسته است. بسیاری از کشورها ITI ندارند. برخی از کشورها بدنه دولتی و بدنه خصوصی جدایی دارند. ITI در بخشی از کشورها هیچ قدرتی ندارد. ITI زمانی می‌تواند تأثیر بگذارد که قدرت اجرایی داشته باشد. ما هم عضو ITI بودیم. باید ثمرات این عضویت را بررسی کنیم. باید ببینیم این مرکز چقدر به ما کمک کرده است و ما هم چقدر توانستیم از امکانات آن استفاده کنیم.

در گذشته قرار بود فجر جهانی را از فجر ملی جدا کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

این یکی از بحث‌های مهمی است که من هم به آن علاقه دارم. من فکر می‌کنم رابطه ما با تئاتر بین‌الملل باید خارج از جشنواره‌ها هم دیده بشود. یاد می‌آید اولین سالی که در تئاتر شهر بودم یک اجرای بین‌الملل از صربستان آمد و در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا رفت. فکر کنم سال ۱۳۸۶ بود. باید همواره فضای بین‌الملل ادامه داشته باشد و بیرون از فضای جشنواره جلو برود. ما فصل بازار تئاتر ایران در فصل بهار را هم پیش‌بینی کرده بودیم ولی رخ نداد. این رویکردها باید بیرون از فضای جشنواره نفس بکشند و جلو بروند. جشنواره‌ها اصولاً دو بخش دارند که یک بخش ملی و یک بخش بین‌الملل است. اگر ما این دو بخش را جدا کنیم با دو جشنواره روبه‌رو می‌شویم. این کار را در جشنواره فیلم فجر کردند که مشکل‌هایی شکل گرفت و به نظر من درست نیست. اگر قرار است یک جشنواره با یک تریبون و پیشانی‌نوشت مشخص به حیات خود ادامه بدهد باید با همان مفروضات گذشته و همیشگی ادامه یابد. اگر قرار است چیز جدیدی شکل بگیرد باید تریبون جدیدی شکل بگیرد. فکر می‌کنم امکان دارد فضای بین‌الملل را جور دیگری شکل بدهیم ولی اگر جشنواره را دو پاره کنیم قطعاً کار سخت می‌شود.

آیا بازار می‌تواند به فرآیند مداوم بدل شود؟ آیا اداره کل در بخش دفتر بین‌الملل این توانایی را دارد در طول سال محل تبادل فرهنگی بشود؟

بله. بازار می‌تواند در طول سال شکل بگیرد. ما از این فضا می‌توانیم برای صدور فضای فرهنگی استفاده کنیم. حتی می‌توانیم اندیشه‌های انقلاب را هم از این راه صادر کنیم. بازار می‌تواند جدا از تبادلات فرهنگی و اندیشه و ذائقه هنری بحث اقتصادی را هم پیش بکشد و باعث رونق زندگی هنرمندان بشود. ما اگر در طول سال و به طور مداوم در این فضا باشیم به خوبی می‌توانیم با کشورهای دیگر ارتباط بگیریم. هنرمندان هم نباید تنها به یک اجرای ۳۰ شبه در طول سال اکتفا کنند و باید فعالیت مستمر و مداومی داشته باشند. هنرمندان براحتی می‌توانند به اجراهای مختلف در کشورهای متفاوت فکر کنند. بازار تئاتر فرصت مناسبی برای ایجاد تورهای تئاتری است. گروه‌ها می‌توانند تئاتر را به فرآیندی ثابت تبدیل کنند که باعث درآمد و بهره اقتصادی می‌شود. آدم‌ها در تمام بخش‌های جامعه در طول سال فعالیت مستمری در طول روز دارند مثلاً روزی

۸ ساعت کار می‌کنند و دستمزد می‌گیرند و هنرمندان تئاتر هم با ورود به بخش بین‌الملل و فعالیت مستمر می‌توانند درآمد ثابت روزانه داشته باشند.

یاد ندارم شما مستقیماً سیاستگذار فجر بوده باشید. اگر از شما ایده و برنامه‌ای بخواهند چه تغییری در فجر خواهید داد؟

به نظرم وقت بازنگری اساسی در جشنواره تئاتر فجر رسیده است. من پیشنهاد می‌دهم فرآیند جشنواره تغییر کند و باید موضوع داشته باشیم نه فقط موضوع معنایی بلکه موضوع شکلی هم باید باشد. شاید نوعی از تئاتر باید در هر دوره از جشنواره مورد توجه قرار بگیرد. به نظرم، جشنواره تئاتر فجر دیگر جوابگوی تمامی تئاتر کشور نیست. تئاتر ما به شدت متکثر و وسیع شده است. یک جشنواره بزرگ مثل جشنواره تئاتر فجر نمی‌تواند پاسخ تمام گونه‌های تئاتر ایران را بدهد. جشنواره‌های بزرگ تئاتری متکی بر برنامه‌نویسان هستند. بحث انتخاب آثار در جشنواره تئاتر خیلی مهم است و این کار برنامه‌نویسان است. آنان افرادی هستند که واسطه‌گر هستند و برنامه‌هایی را تدوین می‌کنند و سپس به استخدام دبیران جشنواره درمی‌آیند و در ادامه کارهای اصلی جشنواره را انتخاب می‌کنند. به نظرم جشنواره فجر به تکرار رسیده و باید تغییر کند. بهتر است به موضوع و نوگرایی توجه کنیم. باید برنامه‌ریزان و برنامه‌نویسان وارد شوند. جشنواره‌های موفق شکل و شمایل و موضوع و نرم مشخص دارند. من پیشنهاد می‌دهم که جشنواره باید یک بخش اصلی و یک بخش فرعی داشته باشد. بخش اصلی باید تعداد محدود و مشخصی داشته باشد و بخش فرعی هم آثار فراوان. بهتر است جشنواره به سوی جذابیت‌های بیشتری برود تا همه هنرمندان بیشتر از این افتخار کنند تا در جشنواره باشند. به نظرم باید امتیازها و مشوق‌ها و انگیزه‌های گوناگون و متنوع و بیشتری شکل بگیرد تا هنرمندان در این جشنواره حضور مستمر و پیگیری داشته باشند. این انگیزه‌ها می‌تواند مالی باشد یا می‌تواند در زمینه ارتباط بین‌الملل باشد. جشنواره‌های شانزدهم و هفدهم خیلی خوب بودند و همه علاقه‌مند بودند تا در آنها باشند پس جشنواره باید تغییر کند.

آیا فجر هم می‌تواند همانند آوینیون یونیفرم موضوعی -منظور موضوعات روز جهان همانند آموزش، مهاجرت، جنگ و...- داشته باشد؟

البته در سؤال قبلی به این پرسش پاسخ دادم. با این حال باز هم تأکید می‌کنم که موضوعیت جشنواره خیلی مهم است. البته فقط نباید معنایی باشد بلکه باید فرمی هم باشد. مثلاً می‌توانیم به آثاری بپردازیم که فقط به خانواده می‌پردازند یا به تئاترهای گروتسک و تکنولوژیک و مدرن بپردازیم. دبیر جشنواره باید مانیفست خودش را ارائه بدهد و می‌تواند شکل جشنواره را مشخص کند. به نظرم اگر اینگونه باشد شاهد دستاوردهای گوناگون خواهیم بود. ما حتی می‌توانیم به ژانر کمدی توجه کنیم یا اصلاً به تئاترهای مالی‌مدیا بپردازیم. جشنواره اگر موضوع فرمی و معنایی داشته باشد ماندگاری می‌شود و کتاب‌ها و نشست‌ها و مقاله‌ها و تئاترهای ماندگار مشخصی هم تولید خواهد شد و باقی هم خواهد ماند.

به نظر شما معنای تئاترها برای کشورهای دیگر مهم تر است یا فرم آنها؟ چون شما اطلاعات خوبی در این زمینه دارید کنجکاوشدیم تجربه شمار اید انیم.

قطعاً کمپانی‌ها و تهیه‌کنندگان و جشنواره‌های جهانی هم به فرم و هم به معنا توجه دارند. آقای آتیلایسپانی با تئاتر «گنگ خواب دیده» که در همکاری با محمد چرمشیر تولید شد اولین کارگردانی بود که در جشنواره تئاتر فجر توسط میهمانان خارجی دیده شد و پس از آن به کشورهای دیگر رفت و قطعاً درآمد اقتصادی خوبی هم داشت. آقای امیررضا کوهستانی با نمایش «رقص روی لیوان‌ها» نیز در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرد و توسط میهمانان به خارج از ایران دعوت شد و تبدیل به یکی از چهره‌های بین‌المللی تئاتر ایران شد. هر کدام از این اجراها خصوصیت‌های خاص خود را داشتند. برای دیگران نه فقط محتوا مهم است و نه فرم بلکه کلیت کار باید توجه آنان را جلب کند. شما باید چیزی خاص و یکتا برای ارائه داشته باشید. ■